

!منت مزد بود و کار خانگی و زنان: بی

Photo: warrengoldswain/Bigstock.com

نعیمه دوست‌دار

اگر بر حسب تصادف تولد زن به دنیا بیاید، هزاران نوع خشونت همراه این اتفاق تصادفی با شما متولد می‌شود، از ختنه و ازدواج اجباری گرفته تا تجاوز و خشونت خانگی. شکل‌هایی بسیار پیچیده که هویت و زن بودن شما را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بعضی از این شکل‌های خشونت مثل تجاوز و خشونت خانگی آن‌قدرها آشکار نیستند و حتی از فرط تکرار عادی به نظر می‌آیند. یکی از آن‌ها زندگی روزمره شما به عنوان یک زن است که با کار خانگی بی‌حیره و مواجب تعریف شده و حتی از زمانی که کودکی، انجامش از شما توقع می‌رود.

کار بی‌مزد یعنی همان کاری که اغلب زنان دنیا در خانه انجام می‌دهند. کار خانگی یا همان امور ظاهرا پیش پا افتاده روزمره از خوردن و تمیز کردن گرفته تا خرید و مرتب کردن، دست کم **۶ ساعت** از وقت روزانه یک زن را می‌گیرد در حالی که یک مرد کم‌تر از یک ساعت از وقتش را صرف انجام این نوع کارهای بی‌مزد می‌کند.

اگر سه دهه قبل از هر پنج خانواده یک مادر سر کار می‌رفت و بقیه مادرها به اصطلاح خانه‌دار بودند، حالا این رقم چند برابر شده و در کشورهای مدرن، ممکن است حالا این نسبت برعکس شده باشد. اما کار خانگی و ساعاتش کم‌تر نشده است. حالا زنان علاوه بر این که بیرون خانه کار می‌کنند، همان مقدار زمان را هم باید در خانه کار کنند و تنها فرقی این است که بابتش حقوقی نمی‌گیرند. این موضوع اما تنها به زنان و همسران مربوط نمی‌شود. دخترچهارها هم در تمام جوامع، فارغ از میزان پیشرفته بودن آن جامعه، چند برابر پسرها در خانه کار می‌کنند؛ هر چند که تصور خودشان این است که زندگی‌شان با مادر بزرگ‌های‌شان بسیار تفاوت دارد.

کار خانگی اما ماهیتش فرقی با کارهای دیگر ندارد. شوخی و تفریح و لذت نیست، اما بی‌حیره و مواجب است. کار بی‌مزد را نمی‌شود از جامعه حذف کرد؛ غذا پختن و تمیز کردن و مراقبت از بچه‌ها و سالمندان، کارهایی هستند که جامعه برای بقایش به آن‌ها نیاز دارد اما تنها از زنان توقع می‌رود که این کارها را انجام دهند و خواست و میل خود آن‌ها در این مورد چندان دخیل نیست.

در کشورهای توسعه نیافته آفریقایی یا آسیایی، تمام ساعت‌های روز یک زن صرف کار بی‌مزد می‌شود. زنان هنوز هم در برخی از کشورهای دنیا باید صبح خیلی زود برای تامین آب مورد نیاز و تمیز کیلومترها راه بروند، آتش روشن کنند و با دست لباس بشویند: چیزی که در یک کشور پیشرفته زمان به مراتب کم‌تری می‌گیرد.

با این حال عجیب نیست که بدانید زنان در طول روز برای انجام کارهای یک خانه مدرن شهری، صدها قدم بین گاز و یخچال و دستشویی و اتاق‌ها بر می‌دارند. حتی عجیب نیست که بدانید با وجود پیشرفت ابزار خانه‌داری و اختراع انواع دستگاه‌های مربوط به امور منزل، کار خانگی ماهیتا عوض نشده و خصلت بی‌مزد و پر زحمت خود را حفظ کرده است.

اما تعیضی که از کار خانگی به زنان تحمیل می‌شود فقط در بی‌مزد بودن خلاصه نمی‌شود. در واقع کار خانگی بی‌مزد، از سلامت زنان، از امکان رشد و پیشرفت تحصیلی و حتی اقتصادی‌شان کم می‌کند چون بیشتر وقت مفید آن‌ها را می‌گیرد.

اما این تنها ناعادلانه بودن انجام کارهای خانگی نیست که چالش برانگیز است، عنصر فراموش شده وقت اما در زندگی زنان کم‌تر ارزش‌گذاری می‌شود. تصور کنید که زنان مجبور نباشند شش ساعت در خانه کار کنند. این شش ساعت صرف چه چیزهایی می‌تواند بشود؟ آن‌ها می‌توانند درس بخوانند، بروند سر کاری که بابتش پول بگیرند یا خودشان کاری راه بیندازند. برای زنان مناطق محروم‌تر این ساعت اضافه می‌تواند صرف رفتن به دکتر و کنترل سلامت شود؛ چیزی که آن‌ها به خاطر ساعت‌های طولانی شیردهی و کار خانگی از آن محرومند. این نکته وقتی اهمیتش آشکار می‌شود که آن را در کنار واقعیت غم‌انگیز دیگری قرار دهیم: درصد بالایی از زنان سلامت جسمانی خود را در سال‌های آغاز میان‌سالی تنها به دلیل کارهای سنگین خانگی از دست می‌دهند. آن‌ها در میانه ۰۴ سالگی یا حتی زودتر، با انواع بیماری‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند: آرتروز گردن و زانو، جابه‌جا شدن مهره‌های کمر و تغییر شکل مفاصل تنها چند نوع از این بیماری‌هاست که کیفیت زندگی زنان را پایین می‌آورد.

برای دخترچهارها این ساعت‌های اضافه ارزش حیاتی دارد؛ آن‌ها می‌توانند در این ساعت‌های اضافی درس بخوانند و تکالیف‌شان را انجام بدهند. ناپرابری در کار خانه تنها یکی از دلایلی است که باعث می‌شود دخترچهارها در بسیاری از کشورهای دنیا نسبت به پسرها از درس عقب باشند.

درست است که حالا در اروپا و آمریکا وضع خیلی بهتر از گذشته است و در کشورهای اسکاندیناوی خیلی از این مسائل حل شده، اما

برای آینده‌ای بهتر باید به فکر چند تغییر عمده بود: یکی از این کارها و در واقع اولین کار تشخیص و به رسمیت شناختن آن است، سپس کم کردن از میزان کارهای خانگی بی‌مزد و در نهایت تقسیم کار دوباره و مساوی میان زن و مرد یا هرکدام از اعضای خانواده‌های جدید که ممکن است از دوزن و دو مرد یا تنها والدین و فرزندان تشکیل شده باشند.

اگر این تقسیم کار انجام شود، می‌شود امیدوار بود که نرم‌های اجتماعی قرن‌ها زندگی بشر، کم‌کم تغییر کند و دیگر دیدن پدری که پوشک بچه را عوض می‌کند یا او را از مدرسه به خانه می‌آورد یا کالسکه بچه را هل می‌دهد چندان برای چشم‌ها غریبه نباشد. این تصویر احتمالاً تصویر انسانی‌تری هم است: کارهای خانگی بی‌مزد، همه مثل شستن توالت چن‌دش‌آور و کثیف نیستند. آشنایی و نگهداری از بچه و سالمندان، یک بخش انسانی قوی دارند که در نهایت به کیفیت زندگی انسان‌ها اضافه می‌کند و به رابطه اعضای خانه با هم معنای بهتری می‌دهد. مردهای دوران مدرن احتمالاً از اینکه رابطه بهتری با همسر و فرزندشان داشته باشند بیش‌تر لذت خواهند برد و چه چیزی بیش‌تر از انجام کار بی‌مزد خانگی می‌تواند آن‌ها را در این موقعیت برابر قرار دهد؟